

دین دولتی و دولت دینی با تأکید بر تعامل دین و دولت در پایگاه مسجد

عزت‌الله واعظی

چکیده

در این مقاله با ذکر مقدمه‌ای به کارآمدی اسلام به عنوان مکتب پویا و پر تحرک در همه عرصه‌های زندگی، اشاره و با تأکید بر مستدل و منطقی بودن آن در جنبه‌های نظری و عملی به گرایش نسل معاصر به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و رویکرد به معنویت و مکتب برتر از یکسو و حساسیت و سخنان اسلام و حجم وسیع توطنه‌ها علیه انقلاب و ناکارآمدی نظام اسلامی از سوی دیگر و ورود اندیشه‌های بیگانه در حوزه فرهنگ و اندیشه مسلمین و دامن زدن به شبهات توسط غربزدگان بی‌اطلاع از اسلام، دشمنان را به تلاش برای کاستن جاذبه اسلام و سوق دادن اذهان اندیشه‌ها به سمت اهداف مورد نظرشان واداشت.

پیروزی انقلاب اسلامی نیز از ابعاد مختلف، نگرانی‌هایی را برای قدرت‌ها و مکتب‌ها به وجود آورد و به برخوردهای خصمانه واداشت که هجوم اندیشه‌های وارداتی لیبرالیستی و سکولاریسم و پلورالیسم و... نمادی از آن است.

مقوله دین دولتی و دولت دینی یکی از شبهات است که مقاله به بررسی و پاسخ آن همت گماشته و پیرامون دین و دولت و ضرورت و رابطه آن دو و زمینه‌های رشد جامعه در پرتو تعامل بین آن دو نهاد، به بحث پرداخته و در ادامه با توجه به جایگاه مسجد و کارکردهای آن در فرهنگ اسلام به وظیفه دولت در قبال مساجد و مراکز دینی و نقش مساجد در پیروزی و تداوم انقلاب و رشد فکری و فرهنگی جامعه و مقاله با هجمه‌های دشمنان اشاره نموده است.

مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، کارآمدی اسلام به عنوان مکتب پویا و پر تحرک در همه عرصه‌های زندگی و مستدل و منطقی بودن معارف آن در جنبه‌های نظری و عملی را برای همه جهانیان آشکار ساخت و طلیعه تحقق **الْإِسْلَامُ يَعْلُوا و لِيَعْلَى عَلَيْهِ**^۱ را به نمایش گذاشت.

^۱ . بحارالانوار، ج ۳۹، ص ۳۷ .

حق آن است که اسلام، دین دنیا و آخرت و محیط بر مسایل مختلف انسان و مُشرف بر همه حوایج و نیازها و خواسته‌های معقول و ناظر به همه جنبه‌ها و استعداد‌های مختلف آدمیان است. آری در دوران معاصر نه تنها به اثبات مستدلانه ایدئولوژی‌های اسلامی؛

بلکه

به اعتراف بسیاری از مستشرقین^۲، اسلام برترین دین و قرآن بهترین، کامل‌ترین و جامع‌ترین کتاب آسمانی و حاوی زیباترین دستور العمل‌های سعادت آفرینی است که

می‌تواند در دو بعد اندیشه و عمل، راهنمای انسان‌ها قرار گیرد.

گرایش و رویکرد مشتاقانه به اسلام و معنویت و گسترش روز افزون

مطالعات

پژوهشگرانه نسبت به اسلام از سوی تشنگان حقیقت و جویندگان مکتب برتر،

حساسیت

دشمنان اسلام را بر انگیخت و حجم وسیع توطئه‌ها علیه اسلام و انقلاب را رقم زد و سردمداران معاند و عوامل فرهنگی استکبار را بر آن داشت تا در قالب‌های گوناگون

و در اشکال مختلف و با ترفندهای متنوع و در عین حال جذاب! سعی در دستکاری دانایی و باورها و طرز تفکر و تلقی مردم، به ویژه جهان اسلام داشته باشند و از این

رهگذر از جاذبه و مقبولیت اسلام ناب بکاهند و افکار و اذهان جستجوگران را به سمتی

که خود می‌پسندند، سوق دهند. چنان که این شیوه‌ها، شگرد همه تاریک‌اندیشان باطل‌گرا در طول تاریخ از صدر اسلام تا به امروز بوده است!

القاء ناکار آمدی نظام اسلامی، ورود اندیشه‌های بیگانه در حوزه فرهنگ و اندیشه مسلمین، دامن زدن به شبهات و افکار الحادی توسط صاحبان اندیشه‌های علیل

و بی‌اطلاع، یا لاقلم اطلاع از حقیقت اسلام و معارف ناب آن، نمادی از تلاش گسترده دستگاه‌های متخصص فرهنگ‌سازی و شکل‌دهی اندیشه‌های مخالف است

ولی باید به آنان گفت: « **يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ** »^۳

پیروزی انقلاب اسلامی و نگرانی دشمنان

تردیدی نیست که پیروزی انقلاب در ایران بر اساس تفکر اسلامی، از ابعاد و زوایای مختلف، نگرانی‌ها و دل‌مشغولی‌هایی را برای مخالفین و معاندین اسلام پدید آورد.

با يك نگاه کلی به روشنی در می‌یابیم که پیروزی انقلاب و تأسیس

حکومت

^۲ . شرق شناسایی که عمدتاً به دلیل اغراض سیاسی و... پیرامون اسلام و پیشوایان دین و احوال مسلمین و جغرافیای جهان اسلام، تحقیقات و پژوهش‌هایی به عمل آوردند و در این رابطه کتاب‌هایی هم نوشته‌اند نظیر: گوستاولوون، جان دیون پورت، جرجی زیدان، جرج جرداق، کورت فریشلر و... .

^۳ . سوره صف، آیه ۸ .

اسلامی، از ابعاد مختلفی، دشمنان داخلی و خارجی را به وحشت انداخته است.
۱. از نظر اعتقادی مکاتب و ادیان را تحت الشعاع قرار داد و جاذبه کاذب

مکتب‌ها

و ادیان تحریف شده را علی‌رغم شعارهای فریبنده و تبلیغات گسترده آنها از افکار
واذهان سطحی اندیشان خوش‌باور، زدود و ذهن‌های جستجوگر و حقیقت‌طلب را
به سمت خویش معطوف ساخت. بدین جهت متولیان آنها را به واکنش واداشت.

در این

راستا اندیشه جدایی دین از حکومت و سیاست، ناکارآمدی نظام اسلامی در عصر
مدرنیته،^۴ و پست‌مدرنیسم،^۵ تضاد و تقابل دین و دموکراسی،^۶ ناسازگاری قضای
اسلامی با اصول و مبانی حقوق بشر، کفایت عقل و علم و بی‌نیازی از دین، ترویج
تفکر

لیبرالیسم،^۷ سکولاریسم،^۸ پلورالیسم دینی، الحاد و التقاط، قرائت‌های گوناگون از
دین، تبلیغ فرهنگ اباحیگری و ابتذال،^۹ نمادی روشن از آن واکنش‌های عاجزانه
است.

۲. از نقطه نظر سیاسی قدرت‌ها را مضطرب ساخت و احساس شکست و

رعب

و وحشت در دل آنها پدید آورد و دکتترین سیاسی ابرقدرت‌ها را زیر سؤال برد و

پیروزی

خون‌بر شمشیر و غلبه ایمان بر سلاح‌های مدرن و پیشرفته نظامی را به نمایش
گذارد

و بذر خودباوری و ایمان و اعتماد به نفس و توکل به خدا را دل‌ها کاشت و به رویش
واداشت.

۳. از نقطه نظر تدبیر امور جامعه و تشکیلات اداری کشور، احزاب و

گروه‌های

مختلف و قدرت‌طلبان و سودجویان منحرف و وابستگان به بیگانگان خارجی را

مأیوس

ساخت! همان‌ها که به تعبیر امیرالمؤمنین «علیه‌السلام»: **«زَرَعُوا الْفُجُورَ وَ سَقَوهُ**

الْعُرُورَ وَ

حَصَدُوا النَّبُورَ؛ بذر گناه و فسق و فجور افشانند و با آب غرور و فریب، آبیاری
و بالنده‌اش کردند و محصول آن را که نکبت و بدبختی برای جامعه و خود آنها بود،
درو نمودند!^{۱۰}

4 . Modernity .

5 . Post Modernism .

6 . Democracy .

7 . Liberalism .

8 . Secularism .

9 . Dissoluteness .

10 . نهج البلاغه، ج ۲ .

الف: برخورد‌های خصمانه

از این روی، از همان آغاز پیروزی انقلاب اسلامی به ویژه در دهه دوم انقلاب تا به امروز، پیوسته با موضع‌گیری‌های خصمانه و ترفندها و توطئه‌ها و شگرد‌های مختلف خصوصا در جبهه اعتقادی و فکری و فرهنگی، مورد خشم و قهر دشمنان خشمگین و عنود بود و در طول سالهای گذشته، پیوسته کوشیدند نظام اسلامی را سرنگون یا لااقل دچار انحراف سازند و از جاذبه دین و ایمان و معنویت، به ویژه اسلام ناب بکاهند و با شبهه‌افکنی و دامن زدن به تفکرات سکولاریستی، نسلی مسخ شده و منحرف، دارای اندیشه التقاطی و رفتاری مبتذل، بپرورند تا آنها همسو با فرهنگ غرب و منافع قدرتهای استعماری، وارثان انقلاب و مدیران آینده کشور گردند. از جمله شبهاتی که مولدان اندیشه‌های بیمار و بدخواه، ایجاد کرده و در اذهان ساده لوحان و سطحی اندیشانی که هنوز شاکله فکری آنها شکل نیافته، با القاء و تلقین وارد ساختند، طرح پرسش تأمل برانگیز دین دولتی یا دولت دینی است که حقیقت و واقعیت کنونی انقلاب و نظام اسلامی چیست؟ دین دولتی یا دولت دینی؟

ب: خرسندی امریکا از پیدایش انحراف

گفتنی است شورای روابط خارجی امریکا در گزارش خود از رویکرد ایران در سالهای اخیر به سکولاریسم ابراز خرسند می‌کند! و آن را دارای چهار ویژگی به شرح ذیل می‌داند:

۱. تفکر جدایی دین از سیاست که به تدریج در جامعه اسلامی ایران رواج یافته و قوت می‌گیرد!
 ۲. بسیاری از افراد، تعارض احکام اسلام با دموکراسی و حقوق بشر را پذیرفته‌اند!
 ۳. با ترویج اندیشه سکولاریستی، جایگاه ولایت فقیه متزلزل و نفوذ و موقعیت روحانیت تضعیف می‌شود و از قداست می‌افتند و همچنان به عنوان تنها «مفسر و ایدئولوگ اسلامی» مطرح نخواهند بود، بلکه حوزه‌های فکری دیگری نیز در کنار روحانیت به عنوان اسلام شناس و مفسر دین مطرح می‌شوند!!
 ۴. ترویج و قبول و پذیرش اندیشه‌ی سکولاریسم، تدریجا سبب عادی‌سازی رابطه با غرب و امریکا می‌گردد.
- وی با تأکید بر ادامه و گسترش این رویکرد جدید، اظهار می‌دارد:
- «این حرکت در مجموع به نفع امریکاست و باید از جانب امریکا قویا مورد حمایت و پشتیبانی قرار گیرد!!»^{۱۱}
- این قبیل گزارشات، وظیفه عالمان دین را سنگین‌تر می‌کند که بی‌تفاوت و

ساکت
ننشسته و به دفاع از مبانی دین و تبیین اندیشه‌هایی که در تقابل و تعارض با دین
هستند،
بپردازند و با تکیه بر منطق و استدلال، با سخنان حکیمانه و موعظه خیرخواهانه و
جدال
احسن^{۱۲} به نقد و بررسی اندیشه‌ها و پاسخ به شبهات، همت گمارند و عرصه را
برای
جولان سراب‌اندیشان یکسو نگر خالی نگذارند تا متاع فکری سرابگون و بی‌ارج
خویش را به ساده‌لوحان جاهل و غافل و نامتمیزان سطحی‌اندیش به قیمتی گزاف
نفروشند و اندیشه‌های پاک و زلال و حقیقت‌ناپ را در مسلخ مطامع غیر انسانی
خویش
ذبح نسازند.
لازم است در این رابطه به اختصار با دین، تفکر سکولاریستی، خاستگاه و
برآیند
آن، همچنین ارتباط دین و دولت آشنا شویم:

دین چیست؟

برای دین تعاریف متنوعی ذکر شده که ارایه و بررسی آنها خود نیازمند يك
مقاله جداگانه است. بدین رو به ذکر سه تعریف برگزیده بسنده می‌کنیم:
«دین، مجموعه‌ای از گزاره‌های حقیقی و واقع‌نما در باره انسان و جهان و

نیز
مجموعه‌ای از آموزه‌های دستوری و ارزشی که جهت تنظیم مناسبات انسان با
جهان
و انسان‌های دیگر، از طریق پیامبران از سوی خدا تنزیل یا به تنفیذ وحی توسط
عقل
سلیم آدمی دریافت می‌شود».^{۱۳}
به بیانی دیگر:

«دین مجموعه‌ای است مشتمل بر قوانین اجتماعی و احکام حقوقی که با
در نظر

گرفتن نیازهای مادی و معنوی، برای سعادت و بهروزی انسانها از سوی خدا آمده
و توسط پیامبر به انسان‌ها ابلاغ شده است».

بنابراین دین و به ویژه اسلام که آخرین و کاملترین آن است در زمینه‌های
مختلف

فردی، خانوادگی، اجتماعی، بین‌المللی و حقوقی دارای قوانین، دستور العمل و
احکام
و مقررات خاص است.

در بینش اسلامی بالاترین ارزش این است که انسان تابع اراده خدا و بنده
خالص

او باشد و او را صاحب اختیار مطلق بداند.
به عبارت روشن‌تر:

«دین مجموعه‌ای از باورهای قلبی و ارزش‌های اخلاقی و رفتارهای عملی

¹² . أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ، سوره نحل، آیه ۱۲۵ .

¹³ . کتاب نقد، ج ۹ و ۱۰ .

متناسب با آن

باورهاست».

مراد از باورها، اعتقاد به یگانگی خدا و صفات جلال و جمال او و اعتقاد به

نبوت

و معاد است که از آن به اصول دین یا اصول عقاید تعبیر می‌شود. مراد از ارزش‌های اخلاقی، اخلاقیات و مراد از رفتارها نیز کلیه رفتارهای متناسب با آن باورهاست که بر حسب اوامر و نواهی الهی و به منظور پرستش و بندگی خدای متعال انجام می‌گیرد که

از آن به فروع دین یاد می‌شود.^{۱۴}

در تعریف اسلام به عنوان یگانه دین حق و تنها نسخه کامل دین الهی معتبر و مقبول در دوران معاصر می‌توان گفت:

«اسلام عبارت است از مجموعه‌ای از باورهای قلبی که بر آمده از امور

فطری

و استدلال‌های عقلی و نقلی است».

و نیز مجموعه تکالیف دینی که از سوی خداوند بر پیامبر «صلی‌الله‌علیه‌وآله» به منظور

تأمین

سعادت دنیوی و اخروی بشر نازل شده است.

این تکالیف تمامی اموری که به نحوی در سعادت دنیا و آخرت انسان نقش

دارد

را در بر می‌گیرد.^{۱۵}

سکولاریسم

واژه سکولاریسم از ریشه لاتینی سکولام^{۱۶} به معنی این جهانی و امور

دنیاپی

گرفته شده است. این مکتب معتقد است که دنیا، سیاست و اداره امور اجتماعی

بشر از

دین و آخرت جداست.

خاستگاه سکولاریسم

خاستگاه سکولاریسم، مغرب‌زمین است و می‌توان گفت سکولاریسم

بازتاب

طبیعی حوادث قبل از رنسانس یعنی عکس‌العمل دوران قرون وسطی است که در

آن

مذهب کاتولیک با همه نواقصش در سایه اقتدار و تبلیغات، در جوامع اروپایی، از

جانب

متولیان مکتب مسیحیت، نمونه یک دین کامل معرفی شد و عملکرد سوء اربابان

کلیسا،

نمونه پای‌بندی کامل به دین تلقی گردید!!

مخالفت شدید کلیسا با هر گونه نوآوری و اظهار نظرهای علمی مخالف با

¹⁴ . پرسش‌ها و پاسخ‌ها، مصباح یزدی، ج ۳، ص ۱۰ .

¹⁵ . پرسش‌ها پاسخ‌ها، ج ۳، ص ۱۰ و ۱۱ .

¹⁶ . Secolom .

تعالیم
انجیل آن هم بدون هیچ استدلال معقول و منطقی، تعارض میان دین و علم را
برانگیخت
و یافته‌های جدید علمی، شجره ممنوعه تلقی شد که ابراز و پافشاری بر آن،
مکافات
مرگ را در پی داشت!
برخوردهای سخت و خشونت آمیز اربابان کلیسا سبب بدبینی رویگردانی

در
جوامع مسیحی، به ویژه از سوی قشر تحصیل کرده شد و به تدریج به استناد
انجیل
تحریف شده، نوعی تقسیم کار بین کلیسا و قیصر مقبول افتاد که کار مسیح و
کلیسا را
به کلیسا و کار قیصر را به قیصر باید سپرد.^{۱۷}
بدینسان زمینه اصلی بروز و رشد سکولاریسم، آموزه‌های غیر عقلانی و
عملکرد
خشن پیروان مکتب مسیحیت است. آری اندیشه سکولاریسم که در حقیقت
واکنشی
به عقاید و سوء رفتار و عملکرد کلیسا بود در قرن ۱۹ میلادی توسط رابرت اون^{۱۸}
فیلسوف انگلیسی به صورت مکتب شکل مدون و منسجمی یافت. بدین روی
اساس
سکولاریسم بر دین‌گریزی نهاده شد و این باور که با پیشرفت علم و در اختیار
داشتن
عقل، در اداره جامعه نیازی به دین نیست، ترویج گردید.
گفتنی است سکولاریسم با دیگر اندیشه‌های فلسفی، سیاسی و
اجتماعی:

- ۱ . راسیونالیسم^{۱۹} یا عقل گرایی و خردمداری محض.
- ۲ . پوزیتویسم^{۲۰} یا اثبات گرایی، تحقق گرایی، اعتقاد به اصالت حس و
نسبیت.
- ۳ . لیبرالیسم^{۲۱} یا اصالت دادن به آزادی‌های مطلق فردی در کلیه شئون.
- ۴ . مدرنیسم^{۲۲} یا تجدد گرایی.
- ۵ . اومانیزم^{۲۳} یا بشرگرایی و اعتقاد به اصالت انسان.
- ۶ . آتئیسم^{۲۴} یا انکار قدرتهای مافوق طبیعی و تقدس ستیزی.

17 . کتاب نقد، ج ۲ و ۳، ص ۱۳ .

18 . Robert Owen .

19 . Rationalism .

20 . Positivism، مکتبی است فلسفی که تجربه‌های حسی و روش منطقی را یگانه منبع تمامی اطلاعات
و یافته‌های معتبر بشری می‌داند.

21 . Liberalism .

22 . Modernism .

23 . Humanism .

۷. سیانتیسم^{۲۵} یا علم گرایی محض و علم محوری به معنی اخص، از نظر
مبانی،
خاستگاه، دیدگاه و برآیند، نقاط اشتراك بسیار؛ بلکه در پاره‌ای از امور با آنها
وحدت دارد.

برآیند پدیده سکولاریسم

بررسی جوامع بشری نشان می‌دهد، پدیده سکولاریسم در جوامع
مختلف،

پیامدهای ذیل را در پی داشته است:

الف: الیناسیون^{۲۶} یا از خود بیگانگی و بی‌هویتی.

ب: تزلزل عقاید دینی و ترویج هرهری مذهبی.

ج: نهلیسم یا پوچ‌گرایی.

د: ابتذال و تسلیم.

بداهت این ادعا و آشکار بودن آن ما را از ذکر نمونه‌های فراوان عملی در

24 . Atieis .

25 . Scientism .

26 . Alheonation .

کشورهای جهان سوم، به ویژه دنیای غرب بی‌نیاز می‌سازد.

دولت چیست؟

مفهوم دولت^{۲۷} از واژه‌های پر مناقشه در مباحث سیاسی است که تعاریف مختلفی برای آن ارایه شده است و همین خود گویای چندگانگی نظریاتی است که آن تعاریف‌ها از آنها برخاسته‌اند.

تعریف عمومی دولت، عبارت است از:
«تشکیلات حکومتی یا مجموعه قوای سه گانه مقننه و قضاییه و مجریه». برخی از اندیشمندان عرصه سیاست، دولت را این گونه تعریف می‌کنند:
«دولت، اجتماع انسانهای کم و بیش زیادی است که سرزمینی را در

صرف
دایمی خود داشته و حکومت سازمان یافته دارند و بیشتر ساکنان آن سرزمین به
طور
عادت و یا مشروعیتی که برای آن قایلند، از آن حمایت می‌کنند».^{۲۸}
رابرت دال هم گفته است:

«به نظام سیاسی متشکل از ساکنان يك سرزمین و حکومت آن سرزمین
دولت
گفته می‌شود».^{۲۹}

در نهایت می‌توان گفت:
«دولت آن واحدی است که ویژگی‌های زیر را دارد: جمعیت، حکومت،
سرزمین، حاکمیت (انحصار قدرت)».
در هر سرزمینی که مردم آن بناى همزیستی^{۳۰} و مدنیت داشته باشند، به
ناچار باید
به حکومت و امارت تن در دهند. این ضرورت و احساس نیاز اصلی عقلانی و مورد
قبول عموم انسانهاست. بر این اساس با توجه به خصوصیات انسان و ضرورت
زندگی
جمعی، لزوم دولت و قانون آنچنان بدیهی و مبرهن است که مستغنی از هر گونه
استدلال
می‌باشد؛ زیرا حکومت، زعامت و ولایت از اساسی‌ترین اصول تشکل هر جامعه و
نیاز
جمعی است و با نبود آن، اجتماع و مدنیت شکل نمی‌گیرد. اگر انسان موجودی
مدنی
بالتبع است، بلاشک نیاز به حکومت و قبول زعامت و ولایت نیز در طبع او نهفته
است؛
زیرا التزام به يك امر، التزام به لوازم آن نیز خواهد بود. بنابراین همزیستی و التزام
به مدنیت، مستلزم پذیرش حکومت و ولایت است.
کلام نورانی امیرالمؤمنین «علیه السلام» ناظر به همین حقیقت است که

27 . State .

28 . بنیادهای علم سیاست، عبدالرحمن عالم، نشر نی، ۱۳۷۶ .

29 . همان .

30 . Symbiosis .

می‌فرماید: **«لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ»**؛ بی‌تردید مردم به زمامداری نیک یا بد نیازمندند.^{۳۱}

سکولاریسم و جدایی دین و دولت!

جدایی دین از دولت، یکی از مشخصه‌های نگره سکولاریسم است که همواره بر جدایی قلمرو دین از سیاست تأکید دارد. در اندیشه سکولاریستی، دین امری فردی قلمداد شده و رسالت آن تنها ایجاد رابطه میان فرد و خداوند است که در آن سیاست هیچ دخالتی ندارد و دین هم نمی‌تواند در رقم زدن سرنوشت اجتماعی بشر و اداره امور جامعه نقشی داشته باشد. تفکیک دین از دنیا، جدایی دین از حکومت و سیاست که هم اکنون مورد اتفاق کلیسا و اربابان اندیشه سکولاریسم است، محصول القائات و آموزه‌های توافقی متولیان مکتب مسیحیت تحریف شده در قرون وسطی و روشنفکران است که امروز به وسیله پیشرفت ارتباطات و به دلیل اغراض و اهداف خاصی، دامنه یافته و به صورت ابزاری در خدمت نئوکولنیالیسم^{۳۲} یا استعمار جدید قرار گرفته و به منظور دستیابی به اهداف خاصی بدان دامن زده می‌شود و متأسفانه، باورها و ارزشها و حقایق مهمی را در جهان اسلام با واژگان و تعبیر مذهبی مصطلح، دستکاری بلکه مثله نموده است.

دین و رابطه متقابل مذهب و دولت

در اندیشه توحیدی، مالکیت و حاکمیت حقیقی همه منظومه هستی از آن خداست؛ **«لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ»**^{۳۳}. بر این اساس همچنان که ربوبیت تکوینی برای او ثابت است، ربوبیت تشریحی و حقیقی امر و نهی و حکومت بر انسان نیز اولاً و بالذات از آن خداست؛ **«إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ»**^{۳۴}.

31 . نهج البلاغه، خ ۴۰ .

32 . Neo Colownialism، به معنی استعمار جدید.

33 . سوره آل عمران، آیه ۱۰۹ .

34 . سوره یوسف، آیه ۴۰ .

به راستی اگر خدا آفریدگار و رب و رازق انسانهاست، چرا حق امر و نهی، دستور دادن و حکم کردن نداشته باشد؟ به ویژه آن که معتقدین به خدا، بر این باورند که احکام الهی به سود خدا نیست! بلکه در جهت مصالح مردم است و احکام عادلانه، مطابق با ارزش‌های اخلاقی است، چنان که امیرالمؤمنین می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ إِذَا خَلَقَ الْخَلْقَ عَيْنًا عَنِ طَاعَتِهِمْ وَ أَمِنًا مِنْ مَعْصِيَتِهِمْ لَا يَبْهُ لَاتَصْرُهُ مَعْصِيَةٌ مِنْ عَصَاهُ وَ لَا تَنْفَعُهُ طَاعَةٌ مَنْ أَطَاعَهُ»؛ خداوند هنگامی که مخلوقات را آفرید، از اطاعت آنان بی‌نیاز بود و از معصیت آنان در امان زیرا گناه هر کس که او را گناه کرد، ضرری به او نرساند و اطاعت کسی که او را اطاعت می‌کند، نفعی برای او ندارد.^{۳۵}

بنابراین اگر خدا حکم کند اطاعت آن به حکم عقل، نه تنها بی‌اشکال بلکه لازم و ضروری است. بدینسان ثنیا و بالعرض افراد خاصی از انسانها حق حکومت و امر و نهی دارند که از جانب خداوند مأذون باشند، در غیر این صورت هیچ انسانی حق ندارد بر دیگر انسانها حکم براند و هیچ کس مجاز نیست، عبودیت غیر خدا را بپذیرد چنان که امیرالمؤمنین «علیه‌السلام» فرمود:

«وَ لَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ حُرًّا».^{۳۶}

براساس اندیشه توحیدی انسان نه خودی در برابر خدا می‌بیند و نه به داشته‌ها و یافته‌های خود (عقل و علم) بسنده و تکیه می‌کند. به ویژه آن که هم چراغ عقل آدمی کم سو است و هم انسان مبتلا به فقر علمی است و هم دانش و معرفت بشری مصون از خطا و خرافه و اوهام نخواهد بود!

اما این که رابطه دین و دولت چگونه است؟ در پاسخ باید گفت:

الف: دین دولتی

در جامعه‌ای که تفکر سکولاریستی حاکم است، پیداست که دولتمردان تفاهم و آشتی‌ای بین خود و دین احساس نمی‌کنند. در جوامع اسلامی هم اگر دولتمردان دارای روحیه دین‌باوری نباشند یا روشنفکران بیمار و غریزدگان متأثر از اندیشه سکولار، زمام امور را در دست داشته باشند، دولت اصل و محور قرار خواهد گرفت و دین ابزاری

³⁵ . نهج‌البلاغه، خ ۱۹۳ .

³⁶ . نهج‌البلاغه، کلام ۳۱ .

برای توجیه عملکرد دولتمردان و وسیله‌ای برای فریب و جلب اعتماد و حمایت مردم خواهد شد که در خدمت دولت قرار می‌گیرد! نظیر آنچه در عربستان سعودی و ترکیه

و برخی کشورهای اسلامی مستعمره و لائیک، شاهد آن هستیم. ترویج و تبلیغ تفکر جبرگرایانه توسط بنی امیه در صدر اسلام و در ادامه توسط

بنی‌عباس... تفسیر آیه **أُولَى الْأَمْرِ** و وجوب اطاعت از امیر حاکم (هر کس که باشد)...

باوراندن شعار **الْحَقُّ لِمَنْ عَلَبَ!** تفسیر انحرافی و دلخواه از مفاهیم بلند اسلامی همچون

زهد، صبر، بی‌اعتنایی به زخارف دنیا، توجه به آخرت، تقوا، انتظار، قداست و معنویت

و... به منظور ایجاد روحیه بی‌تفاوتی و بی‌مسئولیتی و سکوت و تسلیم و... در مردم!!

همه و همه در راستای اهداف حکومت‌های نامشروع و مقاصد پلید دولت‌های مستبد

و حکومت‌های انحرافی است.

چنان که در صدر اسلام تفسیر کعب الاحبار یهودی از آیه **کُنز**^{۲۷}، تأویل و

تطبيق

آیه شریفه **«وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ...»**^{۲۸}

توسط سمره بن جندب به درخواست معاویه و مطابق میل او!، جعل و تقطیع حدیث توسط ابو هریره و... همه و همه ناظر به همین حقیقت است که آنان می‌پنداشتند دین باید

در خدمت حکومت و سیاست حاکم باشد و الا باید با آن به مقابله برخاست!!!

چنین دینی، دین دولتی است که امام خمینی قدس سره از آن به اسلام

امریکایی تعبیر

فرمودند.^{۲۹}

ب: دولت دینی

در جامعه‌ای که ارزشهای دینی حاکم و مردم برآستی پیرو دین‌اند و دین نزد

آنان

عزیز و به عنوان يك حقیقت در متن زندگی آنها جاری است و حضور دارد و دولت برخاسته از میان مردم است و دولتمردان به نوبه خود و به معنای واقعی کلمه متدین‌اند،

دین اصل و محور است و دولت مبلّغ و مروج و مجری احکام دین است و پیگیری اهداف والای دین و تحقق آرمانهای بلند دینی را وظیفه خود می‌داند.

در دولت دینی، سیاست‌گذاری دولت، تدبیر امور جامعه، برنامه‌ریزی و جهت‌گیری‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، تنظیم روابط با سایر دول همه و همه

37 . وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ، سوره توبه، آیه ۳۴ .

38 . سوره بقره، آیه ۲۰۷ .

39 . صحیفه، ج ۱۷، ص ۵۲۳ .

بر محور دین و بر اساس ارزشیهای دینی خواهد بود. دولتمردان خود را متدین به دین، بندگان خدا، مطیع اوامر و دستورات الهی و موظف به اجرای فرامین الهی و احکام دینی می‌دانند. سیمای دولت دینی را در آئینه منشور حکومتی امیرالمؤمنین «علیه السلام» (عهدنامه علی «علیه السلام» به مالک اشتر) می‌توان به تماشا نشست و در نامه‌های امیرالمؤمنین «علیه السلام» به ولات و کارگزاران حکومتش به خوبی می‌توان نظاره کرد، چنان که در سیره عملی و رفتار حکومتی آن بزرگوار نیز به خوبی مشهود است. امیرالمؤمنین «علیه السلام» در نامه‌هایش به والیان و کارگزاران، به ویژه در عهدنامه‌اش به مالک اشتر! نظم، امنیت، رفاه و رونق اقتصادی، آزادی، ایجاد مهر و الفت در جامعه، رعایت حقوق اقلیت‌ها، اجرای قانون و حدود الهی، فراگیری علوم و فنون، زمینه‌سازی رشد و ارتقاء معنوی مردم و ... را از وظایف دولت دینی بر می‌شمارد و قویا بر اجرا و رعایت آن تأکید و اصرار می‌ورزد.^{۴۰}

دولت دینی و زمینه‌سازی رشد جامعه

یکی از اهداف مهم دولت دینی رشد و ارتقای جامعه است؛ رشد مادی و معنوی و ارتقای فراگیر جامعه، مرهون مقدمات و زمینه‌سازی‌هایی است که بدون فراهم آوردن آنها، حصول رشد ناممکن است. در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. آموزش و تربیت

یکی از بسترهای مناسب رشد جامعه، دادن آموزش‌های صحیح و به موقع و تربیت جامعه بر پایه ارزشیهای الهی و انسانی است. امیرالمؤمنین «علیه السلام» می‌فرماید:

«**أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا وَ لَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ النَّصِيحَةُ لَكُمْ وَ تَوْفِيرُ قِيَّتِكُمْ وَ تَعْلِيمُكُمْ كَيْلًا تَجْهَلُوا وَ تَأْدِيبُكُمْ كَيْمًا تَعْلَمُوا**»؛ ای مردم!

مرا بر شما و شما را بر من حقوقی واجب است، حق شما بر من این است که از نصیحت خیرخواهانه به شما دریغ نوزم و به توزیع عادلانه ثروت کشور در میان شما بپردازم و در امر آموزش شما همت گمارم تا نادان و در ظلمت جهل نمانید و شما را تربیت کنم تا شیوه صحیح

زندگی را فرا گیرید.^{۴۱}

امام علی «علیه السلام» در خطبه ۲۳۸ نهج البلاغه، ضمن نکوهش و سرزنش شامیان که آنان را به دلیل سیاست خشن و مزورانه و استثمارگرانه معاویه و حزب او،

40 . نهج البلاغه، نامه ۵۲ .

41 . نهج البلاغه، خ ۳۴ .

درشت خوبانی پست و بردگانی فرومایه، توصیف می‌کند، می‌فرماید:

«مِن يَنْبَغِي أَنْ يَفْقَهَ وَيُؤَدِّبَ وَيَعْلَمَ وَيَدْرِبَ وَيُولِيَ عَلَيْهِ وَ

يُؤَخِّدَ عَلَيَّ

بَدِيه...»؛ شامیان، مردمی که سزاوار بودند اسلام و احکام دین را به خوبی بیاموزند و

تربیت صحیح شوند و دانش را فراگیرند و کار آزموده گردند و الگو داشته باشند و رهبری خیر خواه و دلسوز، دستشان را بگیرد و آنها را به کار مفید وا دارد...^{۴۲}. حضرت در این فراز نورانی در حقیقت با اندوه به وظایف و رسالت دولت دینی و دولتمردان متعهد و خیرخواه اشاره می‌کند، اما وضع و سرنوشت شامیان آن چنان که در

نگاه علی «علیه السلام» توصیف شده‌اند، محصول حاکمیت دولتی بود که از دین، استفاده ابزاری می‌کرد و برای فریب و اغفال و استحمار و استثمار توده‌ها، دین را به استخدام خویش در آورده بود!!

۲ . ترویج فرهنگ قسط

در نگاه اندیشه دینی، در جامعه، باید اختلاف طبقاتی و تبعیض و بی‌عدالتی رخت بر بندد و در همه سطوح، عدالت اجرا شود، پس باید دولت قیام به قسط کند،

تا مردم در سایه آموزش و تربیت صحیح، قائم به قسط شوند و در اقامه و بسط آن بکوشند و فرمان خدا (قیام مردم به قسط) تحقق یابد و مطلوب همگان (عدالت اجتماعی)، چنان که دستور خدا و رسالت پیام‌آوران الهی و ایده‌آل همه انسانهای آزاده

و حق طلب بوده و هست، حاصل شود.

بر اساس آیه شریفه: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ

الْكِتَابَ

وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَ

مَنَافِعَ لِلنَّاسِ لِيَعْلَمَ

مَنْ يَنْصُرُهُ وَرِسَالَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ»؛ همانا ما پیامبران خود را با ادله

و معجزات فرستادیم و برایشان کتاب و میزان عدل نازل کردیم تا مردم را به راستی و عدالت بر انگیزانند و آهن را که در آن هم سختی کار و زار و هم منافع بسیار برای مردم

است، آفریدیم تا معلوم شود چه کسی خدا و رسولش را در پنهان (با ایمان قلبی) یاری

خواهد کرد همانا خدا بسیار قوی و مقتدر است.^{۴۳} باید دولت دینی برای تحقق عدالت

تلاش کند، در آن صورت مردم با آغوش باز پذیرای حکومت عدل خواهند بود و حکومت دینی را بر هر سیستم سیاسی و اداری ترجیح خواهند داد و حقوق متقابل

دولت اسلامی را رعایت خواهند کرد و در تقویت و نگهداری آن خواهند کوشید

42 . نهج البلاغه، خ ۲۲۸ .

43 . سوره حدید، آیه ۲۵ .

و برای حفظ و بقای آن تا سر حد جان، فداکاری خواهد نمود و تحت تأثیر تبلیغات بدخواهان قرار نگرفته و به خدعه معاویه‌های هر عصری، تن در نخواهند داد و آمال و آرزوها و آرمان‌های انسانی و الهی خویش را در سایه تلاش و خدمات صادقانه دولت کریمه، تدریجاً محقق خواهند یافت.

امیر المؤمنین «علیه السلام» در فرازی از خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه می‌فرماید:
**«فَإِذَا آدَتِ الرَّعِيَّةُ إِلَى الْوَالِي حَقَّهُ وَ آدَى الْوَالِي إِلَيْهَا حَقَّهَا عَزَّ
الْحَقُّ بَيْنَهُمْ وَ
قَامَتْ مَنَاهِجُ الدِّينِ وَ اعْتَدَلَتْ مَعَالِمُ الْعَدْلِ وَ جَرَتْ عَلَى إِدْلَالِهَا السُّنَنُ
فَصَلَحَ يَذَلِكَ
الزَّمان**

وَ طَمَعَ فِي بَقَاءِ الدَّوْلَةِ وَ يَنَسَتْ مَطَامِعَ الْأَعْدَاءِ»؛ پس آن‌گاه که مردم حقوق دولت و حکومت را رعایت کنند و دولت نیز متقابلاً حقوق مردم را مراعات نماید، حق در میان‌شان قوی و نیرومند خواهد شد و جاده‌های دین صاف و بی‌دست انداز می‌گردد!
علائم و نشانه‌های عدالت اعتدال می‌پذیرد و راه و رسم‌ها، درست در مجرای خویش به کار می‌افتد. بدین ترتیب جامعه اصلاح می‌شود و امور مردم سامان می‌پذیرد و مردم در حفظ و بقای دولت خواهند کوشید و دشمنان مأیوس می‌گردند.^{۴۴}

۳ . اطلاع‌رسانی؛ ارتقای بینش و افزونی توان تحلیل
سومین بستر مناسب رشد همه جانبه، بالا بردن سطح افکار عمومی جامعه و وسعت افق دید و ایجاد بینش عمیق و ارتقای فکری جامعه است که مردم با مسایل و قضایا، لب‌نگرانه و ژرف‌اندیشانه برخورد کنند و واقع‌بینانه به تحلیل حوادث و رخدادها بپردازند و بدانند که بر خلاف شعارهای فریبنده سیاست‌بازان کاسبکار، انسان برای خداست، چنان که خداوند، جهان هستی را برای انسان آفریده و آن را مسخّر او قرار داده است، انسان باید در خدمت دین خدا باشد، چنان که دین نیز برای هدایت و تنظیم امور مادی و معنوی انسان تشریح شده است. نه آن که به صورت يك طرفه، خدا و دین برای انسان و ابزاری در خدمت ارضای غرایز او باشند. چنان که امیرالمؤمنین «علیه السلام» به برخی از اصحاب خود فرمود:
«من خود و شما را برای خدا می‌خواهم ولی شما مرا برای خود می‌خواهید».^{۴۵}
امام خمینی قدس سره نیز می‌فرماید:

44 . نهج البلاغه، خ ۲۱۶ .

45 . نهج البلاغه، خطبه ۱۳۶ .

«مقصد را مقصد الهی کنید، برای خدا قدم بردارید».^{۴۶}
«در اسلام معیار، رضایت خداست و نه شخصیت‌ها... ما معیارها را باید معیارهای الهی قرار بدهیم».^{۴۷}
«ما باید بنده خدا باشیم و همه چیز را از خدا بدانیم... و باید در راه خدمت به او باشیم».^{۴۸}

۴ . آماده‌سازی نیروهای کارآمد

مهره‌های واجد شرایط و نیروهای کارآمد و مفید برای اشغال مناصب و پست‌ها و قبول مسئولیت، شناسایی و تربیت شوند که دارای دو خصیصه برجسته **ذوالآیدی و الأبصار** باشند. بر این اساس، کارگزاران دولت دینی باید دارای دو ویژگی **بصیرت و قدرت** باشند.
اول) بصیرت: مدیران و کارگزاران لایق باید بصیر و واقع‌بین و موقعیت‌شناس بوده و تنگ نظر و ظاهر بین نباشند تا در مقام عمل و اجرا به افراط یا تفریط کشیده نشوند.
ضرورت تفقه در دین و مطالعه در تاریخ معاصر و گذشته و اطلاع از سرنوشت گذشتگان، بررسی اوضاع جهان معاصر و... برای پیدایش اکسیر بصیرت در فرد است.
شاید بتوان ادعا کرد مهم‌ترین ویژگی امام خمینی و رمز اصلی موفقیت او همین تفقه در دین بود، نه اجتهاد و تفقه در احکام فرعی فقط.

دوم) دارا بودن قدرت، شهامت و جرأت: تا بتوانند تصمیمات مهم اتخاذ کرده و کارهای بزرگ را به انجام رسانند، چنان که قرآن مجید حضرت یوسف را با همین ویژگی‌ها ستوده، می‌فرماید:
«و قَالَ الْمَلِكُ أَتَنُونِي بِهِ اسْتَخْلِيصُهُ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ آمِينَ قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ»؛ پادشاه گفت: یوسف را نزد من آورید تا او را از خاصان خود گردانم، چون او را ملاقات کرد به او گفت: تو امروز نزد ما امین و قدرتمند خواهی بود. یوسف گفت: مرا به خزانه‌داری منصوب کن که من قادر بر حفظ آن و دانا و بصیرم.^{۴۹}

46 . کلمات قصار امام خمینی قدس سره، ص ۱۹ .

47 . همان، ص ۱۹ .

48 . همان، ص ۲۱ .

49 . سوره یوسف، آیات ۵۴ و ۵۵ .

دولت دینی و مساجد

از آن جا که مراکز دینی په ویژه مساجد از همان آغاز یعنی از زمان پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله» و تأسیس اولین مسجد تا به امروز، بهترین و مناسبترین مدرسه تربیت انسانها و مستحکمترین سنگر گسترش دین و انقلاب اسلامی بوده و هست، بر دولت دینی فرض است که در حفظ و تقویت و رونق مساجد بکوشد و از هرگونه مساعدت و معاضدت نسبت به ساماندهی امور مختلف آن دریغ نرزد. پیامبر گرامی اسلام «صلی الله علیه و آله» وقتی از مکه به مدینه هجرت فرمود، در اولین اقدام دست به تأسیس مسجد زد و بنیانگذاری اولین حکومت اسلامی را با پی نهادن مسجد آغاز کرد و مسجد را معبد، مرکز حکومت، مجلس شور و مشورت، مرکز سازماندهی نیروها، محل ملاقاتها، کانون تعلیم و تربیت، مصلاهی جمعه، مرکز قضاوت و رتق و فتق امور مردم و دفتر کار خود قرار داد و از آن بهره‌برداری چند منظوره نمود. در طول تاریخ نیز علی رغم حاکمیت حکام غاصب در بلاد اسلامی، مساجد، مرکز ثقل اجتماع جوانان و کانون نشر فرهنگ و معارف اسلام و محل تعلیم و تربیت و وعظ و خطابه و اندرز بوده است. انقلاب بی‌بدیل اسلامی ما نیز از مساجد شروع و در مساجد بالنده شد و تکامل یافت و با پشتیبانی مساجد پیروز گردید و به حیاتش ادامه داد. تمام انتخابات در طول سالیان گذشته پس از پیروزی انقلاب و تعیین سرنوشت کشور با انتخاب نمایندگان مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان، ریاست جمهور و شوراهای اسلامی و ... در مساجد بوده است. در هشت سال دفاع مقدس که ویرانگرترین جنگها توسط حزب کافر بعث عراق و صدام سفاک، با حمایت مستقیم و غیر مستقیم ۳۳ کشور به سرکردگی شیطان بزرگ، امریکای جنایتکار به جمهوری اسلامی نو پای ما تحمیل شده بود، اصلیترین نقش در اداره جنگ و تأمین امکانات و سازماندهی نیروها و پشتیبانی همه‌جانبه از رزمندگان جان بر کف را مراکز دینی و مصلاهای جمعه، به ویژه مساجد ایفا می‌کردند. مردم فداکار و ایثارگر ما کمکهای نقدی، غذا، لباس و دیگر اقلام کمکی خود را به تناسب ایام سال و با در نظر گرفتن ۱۲۰۰ کیلومتر خطوط جنگی، برای ارسال به جبهه‌ها به مساجد تحویل می‌دادند. خواهران پر شور و حماسه‌آفرین و زینب‌گون ما با حضور در

مساجد، به صورت گروهی در طول روز، به بسته‌بندی خشکبار و بافتن پوشاک گرم و دوختن لباس رزم و البسه مورد نیاز رزمندگان همت می‌گماردند و زحمت می‌کشیدند.

بی‌سبب نیست که یکی از تئوریسین‌های برجسته امریکایی در نطقش،

خطاب

به سردمداران امریکا با تلخی، زبان به اعتراف می‌گشاید و اظهار می‌دارد:
«امریکا علی‌رغم تجارب جاسوسی و اطلاعاتی سازمان دویست ساله

در CIA

شناخت انقلاب اسلامی ایران، اشتباه کرده و از دو اهرم نیرومند محراب و منبر غفلت

نموده است!!».

و این دو در پایگاهی عظیمی به نام مسجد قرار دارد که در شبانه روز به

تناسب

ایام، اقشار مختلف مدرم و خیل جستجوگران حقیقت و تشنگان معارف قرآن و

شیفتگان

ره‌آورد وحی و دانش اهل بیت «علیهم‌السلام» را صف اندر صف، پشت سر امام جماعت در مسجد فرا می‌خواند و پای منبر وعظ و خطابه گرد می‌آورد.

پیدایش مراکز موازی مساجد و وظیفه دولت اسلامی

گر چه امروز با تأسیس فرهنگ‌سراها و مراکز متعدد فرهنگی و تعدد

کانال‌های

مختلف تلویزیونی و ماهواره و اینترنت و اینترانت و... و تعدد و تنوع برنامه‌های

آموزشی و پرورشی، سرگرمی‌های متنوع و برنامه‌های ورزشی و تفریحی با سرمایه‌گذاری‌های کلان و جذب امکانات فرهنگی به منظور اجرای طرح‌های گوناگون، بسیاری از جوانان، جذب آن مراکز و امکانات شده‌اند. و همین خود یکی از عوامل خلوت شدن برخی از مساجد از حضور جوانان است

که در آسیب‌شناسی مساجد و مراکز دینی می‌توان از آن نام برد، به ویژه اگر نسل جوان ما از نقطه نظر علوم و معارف اسلامی، دیانت و معنویت در آن قبیل مراکز اشباع نشوند و از آموزه‌های صحیح تأثیر نپذیرند ولی در عین حال اگر بخواهیم نسل نواخته و جوانان عزیز، این سرمایه‌های عظیم و ثمین که آینده‌سازان جامعه و وارثان خون و حماسه و ایثارند، در عصر انفجار تبلیغات و اطلاعات و سهل الوصول بودن شبکه‌های ارتباطی کامپیوتر، ماهواره، اینترنت و هجوم بی‌رحمانه، بلکه به تعبیر رساتر رهبر معظم انقلاب شبیخون فرهنگی و اعتیاد و انحرافات اخلاقی و ابتذال فرهنگی و ناهنجاری‌های رفتاری بیمه کنیم، باید زمینه‌های سلامت روانی و بستر رشد اخلاقی و معنوی آنها را هموار و مهیا سازیم که یکی از بهترین زمینه‌ها و سالم‌ترین بسترهای تأمین سلامت نسل جوان و نوجوان کشور و بستر مناسب رشد دینی آنها، مساجد و سایر مراکز دینی است.

از این روی بر دولت کریمه فرض است که در سیاستگذاری بودجه فرهنگی کشور تجدید نظر کرده و با فراهم آوردن امکانات و حل مشکلات و معضلات و ارائه خدمات، در تقویت و رونق این نهاد عظیم فرهنگی و این پایگاه مهم سیاسی - اجتماعی، دلسوزانه همت گمارد و از هیچ تلاشی فرو گذار نکند. و این به معنی دخالت دولت در

سیاست‌گذاریها و برنامه‌ریزی‌های مساجد نیست؛ در آن صورت، مساجد به سمت دولتی شدن پیش نمی‌روند، بلکه همچنان که مساجد نقطه شروع انقلاب و ضامن بقای

آن تا کنون بوده و خود را موظف به حفظ و صیانت از خون بهای شهیدان و دستاوردهای

انقلاب و حاصل زحمات معمار بزرگ انقلاب دانسته و می‌دانند و حفظ نظام اسلامی را

بر خود، اوجب واجبات و اعظم فرائض تلقی می‌کنند، بر دولت خدمتگزار و متولیان نظام اسلامی نیز فرض است که در حفظ و تقویت و رشد و گسترش کمی و کیفی این

مهم‌ترین مرکز عبادی و معنوی و مستحکم‌ترین سنگر نگاهبانی از انقلاب و بهترین پایگاه‌های سیاسی - اجتماعی و برترین نهاد فرهنگی کشور بکوشند و در تقویت و رشد

و اعتلای آن از هیچ گونه حمایت و همکاری دریغ نوزند.